

# راههای تسریع در اجرای طرحهای عمرانی

## مرتضی مولادوست اصل

یکی از اهداف هر دولتی، دستیابی به ثبات اقتصادی به معنای جلوگیری از بروز نوسانات در ابعاد مختلف اقتصادی است. نیل به چنین مهمی نیازمند اتخاذ سیاستهای اقتصادی متناسب با شرایط است. سیاست اقتصادی در واقع دخالت آگاهانه دولت در امور به منظور حصول به اهداف اقتصادی کلان کشور است. اهدافی همچون: حفظ اشتغال کامل، تامین رشد مداوم اقتصادی، افزایش رفاه، حفظ ارزش پول و... سیاست پولی نیز نوعی از سیاستهای اقتصادی است که با کنترل نظام پولی دسترسی به اهداف کلان را امکان پذیر می سازد و بر سطح سرمایه گذاری ها تاثیر می گذارد.

یکی از مشکلات مبتلا به اقتصاد کشور، رشد نقدینگی و وجود سرمایه های سرگردان در اقتصاد است که می تواند موجب بروز مشکلات دیگر شود. بنابراین، شناخت شرایط و تشخیص سیاست متناسب با آن برای رفع مشکل از اهمیت زیادی برخوردار است. جمع آوری سرمایه های سرگردان یا جذب سرمایه نیاز به تدابیری دارد تا در نهایت اهداف کلان اقتصادی جامه عمل بپوشند. چنانچه در خط مشی های اساسی بخش ساماندهی بازارهای مالی (ماده ۹۱) قانون برنامه توسعه سوم دولت آمده است. به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می شود با تصویب شورای پول و اعتبار، علاوه بر موارد مندرج در بند (۶) ماده (۲۰) قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۸/۶/۱۳۶۲ از اوراق مشارکت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به شرط عدم مغایرت با قانون عملیات بانکی بدون ربا استفاده نماید.

به سخن دیگر، مشاهده هرگونه عدم تعادل در اقتصاد، به کارگیری سیاستهای مناسب برای حرکت به سوی تعادل را الزامی می سازد. انتشار اوراق مشارکت به عنوان یکی از روشهای مورد استفاده در سیاست پولی می تواند استراتژی مناسب در این راستا باشد. برنامه سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی کشور هم این مقوله را از نظر دور نداشته و از آن به عنوان یکی از روشهای کارا حتی در سیستم بانکی کشور یاد کرده است به نحوی که در ماده ۹۳ قانون مذکور ملاحظه می شود که به دولت اجازه داده شده به منظور تقویت پایه سرمایه بانکها و افزایش توان حضور بانکهای ایرانی در بانکداری بین المللی در سالهای برنامه سوم، حداکثر تا مبلغ پنج هزار میلیارد ریال اوراق مشارکت ویژه برای تقویت پایه سرمایه بانکها منتشر نماید. توجه به این نکته ضروری است که استفاده از چنین بازارهایی زمانی راهگشا و مفید خواهد بود که مقطعی عمل نکند بلکه براساس برنامه ریزی صورت بگیرد و در راستای تحقق اهداف کلان اقتصادی باشد. به عبارتی دیگر، جذب نقدینگی ها همراه با واگذاری مدیریتهای دولتی به بخش خصوصی (به جای واگذاری سهام شرکتهای دولتی به بخش خصوصی - که در گام دوم می تواند موثرتر باشد) باید در جهت افزایش سرمایه گذاریهای مولد باشد و کشور را در مسیر رشد و توسعه اقتصادی قرار دهد، چرا که

موضع گیری دولت در اتخاذ سیاستهای اقتصادی عامل بسیار مهمی در دست یافتن یا نیافتن به اهداف مورد نظر خویش است. یافتن راههای جدید برای جذب نقدینگی و تامین منابع مالی کافی برای گردش امور، ادامه و گسترش کارها، چند سالی است که به یکی از دلمشغولی های همیشگی مدیران بنگاههای اقتصادی بویژه واحدهای بزرگ دولتی تبدیل شده است. چند سال پیش که سیاستهای انقباضی بانکها شروع نشده بود، موسسات اقتصادی با استفاده از تسهیلات بانکی می توانستند مشکلات خود را تا حد زیادی حل کنند. اما از هنگامی که سیاستهای انقباضی در زمینه اعطای تسهیلات آغاز شد و روز به روز هم شدت یافت، وضع دگرگون شد. آمار نشان می دهد که در سال ۷۵ درصد زیادی از طرحهای صنعتی از تسهیلات بانکی بی بهره مانده اند و تنها ۳۳ درصد از آنها توانسته اند اعتبارات بانکی دریافت کنند. در کنار این طرحها صدها طرح عمرانی و زیربنایی و تولیدی نیز هستند که نیاز به نقدینگی های کلانی برای ادامه فعالیت و اتمام پروژه دارند. پس چه باید کرد؟ برای پاسخ به این پرسش حیاتی بود که روشهای دیگری نظیر انتشار اوراق قرضه، مشارکت، تشکیل شرکتهای سرمایه گذاری ملی، استانی و صنفی، تخصصی، همچنین پیش فروش کالا و مسکن (متری) مورد توجه قرار گرفت. این روشها اگرچه در ایران بی سابقه نیستند اما مدتها بود که مورد استفاده قرار نمی گرفتند تا اینکه سیاستهای جدید بانکها، یکبار دیگر آنها را در کانون توجه دست اندرکاران مسایل اقتصادی کشور قرار داد. در پاسخ به این سوال که چه روشهای تامین سرمایه و جذب نقدینگی وجود دارد بایستی گفت هر بنگاه اقتصادی به منظور سرمایه گذاری می تواند از سه روش ذیل استفاد کند:

۱ - روش استفاده از سود توزیع نشده فعالیت خود بنگاه است. یعنی یک بنگاه اقتصادی به عنوان یک تولیدکننده وقتی اقدام به تولید و فروش می کند، به نوعی به سود دست می یابد که بخشی از این سود رامیان سهامداران تقسیم می کند و بخش دیگر باقی می ماند. این همان سود توزیع نشده تلقی می گردد.

۲ - روش دیگر سرمایه گذاری اقدام به انتشار یا فروش سهام جدید است. به عبارت دیگر، عده دیگری را به عنوان شریک می پذیرد.

۳ - روش سوم از طریق قرض و وام است که این قرض می تواند از منابع مختلف گرفته شود. یک بنگاه سرمایه گذاری با یک فرد سرمایه گذار می تواند از یک یا چند فرد مشخص قرض یا وام بگیرد و اقدام به سرمایه گذاری کند یا ممکن است از طریق سیستم بانکی تهیه کند. امروزه در دنیا، عمده ترین تامین کننده منابع سرمایه گذاری، سیستم بانکی است. دلیل آن هم به خاطر بالابودن کارایی اش است و انتشار اوراق قرضه که طی چند دهه گذشته یا طی دورانی از سرمایه گذاری در کشورهای جهان دارای وزن و تناسب قابل توجهی بود اما امروزه چنین وضعیتی ندارد و می دانیم که سیستم بانکی اعتبار لازم را دارد و محل مناسبی است که مردم سپرده های خود را در آنجا بسپارند تا از این طریق، بانکها بتوانند به سرمایه گذاران وام دهند یا خود در سرمایه گذاری مشارکت داشته باشند.

سیستم بانکی چه به صورت آنچه در گذشته بوده است و چه به صورت فعلی آن، به عنوان شریک سرمایه گذاری تامین کننده منابع لازم و کافی است و بهترین منبع برای سرمایه گذاری محسوب می شود. روشی که بعضی از سازمانهای معتبر اخیراً به آن روی آورده اند تا جذب منابع کنند که همان انتشار اوراق قرضه یا مشارکت است که دلیل آن کمبود توانایی در سیستم بانکی ما در انجام وظایفشان است.

به عبارت دیگر، اگر سیستم بانکی ما بتواند منابع پس اندازی که در دست مردم است به نحوی جمع آوری کند و آنها را از طریق جریان مناسب به سرمایه گذاری اختصاص دهد دیگر نیازی نیست هر بنگاه یا سازمانی برای سرمایه گذاری مبادرت به انتشار یک سری اوراق مشارکت کند که هرکدام از این اوراق باید توسط یک بانک تایید و تصویب شود. یا اینکه اگر تضمین نشوند بدون تردید دیگر خریدار نخواهد داشت و یا اینکه با صرف منابع بسیار بالایی (پرداخت سود و بهره زیادت) اقدام به جمع آوری سرمایه ها شود. یکی از دلایلی که سیستم بانکی کارایی بالاتری دارد این است که مردم بیشتر به سیستم بانکی اعتماد دارند تا به عده ای ناشناس یا کمتر شناخته شده. به همین دلیل است که نرخهای سیستم بانکی کمتر از سایرین است (حتی از بانکهای خصوصی تازه تاسیس). پس اگر شما بخواهید از طریق بانک به جمع آوری پس اندازها اقدام و آن را به سرمایه گذاری منتقل کنید باید با کارایی بالاتری همراه باشد و هزینه کمتری داشته باشد. و اگر نمی توانیم چنین شیوه ای را به کار گیریم نشانه این است که سیستم بانکی ما دچار مشکل است. ضعف سیستم بانکی ما در درجه اول در این است که سیستم بانکی ما سیستمی برنامه ریزی شده و دولتی است. یک بانک در واقع باید مانند یک بنگاه اقتصادی در شرایطی که اقتصاد دارای بنگاههای آزاد است و سیستم بازار وجود دارد و اقتصاد، اقتصاد آزاد است، عمل کند.

به هر حال سیستم بانکی زمانی قادر خواهد بود که پس انداز مردم را به خوبی جمع آوری کند و آن را درون سیستم انتقال دهد که بتواند آن را به صورتی سرمایه گذاری کند. یا وام دهد که سود بالایی ایجاد کند تا بتواند مردم را در سود بالاتری شریک سازد. در آن شرایط است که می تواند منابع را جمع آوری کند. اما اگر این توانایی وجود نداشته باشد و مثلاً بخشی از منابع خود را که به مردم تعلق دارد مجبور شود براساس دستورات دولت وام دهد که خلاف هم هست زیرا این منابع از سوی مردم در اختیار سیستم بانکی قرار داده شده اند و سیستم بانکی هم به عنوان یک امین باید این منابع را به بهترین شیوه مورد استفاده قرار دهد و ضمن دریافت سود بالا، مردم را نیز از سود بهره مند سازد. وقتی سیستم بانکی نتواند به خوبی وظایف خود را عملی سازد سرمایه گذاران اقدام به استفاده از سایر منابع می کنند. همان طور که سیستم بانکی در دو دهه گذشته قادر به انجام بهینه وظایف خود نبود شرکتهای همچون شرکتهای مضاربه ای و بانکهای خصوصی رشد کردند. این شرکتهای و بانکها در واقع چیزی به جز اینکه بخواهند عملکرد ناقص سیستم بانکی (دولتی) را اصلاح کنند، نبودند. ولی در حال این بانکها به خاطر نبود کارایی مناسب در سیستم بانکی به وجود آمدند که خود مشکلاتی در سیستم بازار پول و سرمایه به وجود آورده اند.

حال با توجه به اینکه سیستم بانکی و یا بودجه عمومی دولت در شرایط فعلی توان تامین سرمایه و نقدینگی را برای طرحهای عمرانی و زیربنایی کشور را نخواهند داشت جهت شتاب بخشیدن به آهنگ رشد و توسعه اقتصادی که نیازمند سرمایه گذاری کلان در امور زیربنایی و اجرایی طرحهای عمرانی بیشتر می شود که خوشبختانه در سالهای اخیر مورد توجه خاص قرار گرفته به نحوی که راهکارهای مورد لزوم در فصل سوم قانون برنامه سوم توسعه دولت (واگذاری سهام و مدیریت شرکتهای دولتی) و فصل چهارم (تنظیم انحصارات و رقابتی کردن فعالیتهای اقتصادی) ارائه گردیده است. بدیهی است این امر صرفاً در صورتی که کلیه سرمایه های ملی را به نحو مطلوب به کار نگیرد، عینیت نخواهد یافت.

بنابراین، می توان گفت که سرمایه گذاری های زیربنایی همواره با اتکا به بودجه عمرانی - که قطعاً منابع دولت کفایت نمی کند - صورت پذیرفته و توجه لازم برای ایجاد تحول اساسی در بازار پول و سرمایه و استفاده از سرمایه های ملی مبذول نگردیده بود که در صورت ادامه روند یا عدم تسریع در مشارکت عموم مردم و فعال کردن بازار پول و سرمایه (عدم توجه به فصول سوم و چهارم برنامه سوم توسعه) در گام اول ماندگار خواهیم بود.